

برگزاری همایش «سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران»

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی با همکاری ۲۰ سازمان و نهاد دولتی و غیردولتی و چند دانشگاه، از جمله موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، همایش «سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران» را برگزار می‌کند. این همایش در پنج محور زمینه‌ها و رویکردها، تحولات تاریخی، روندهای رایج، تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها و چالش‌های نهادی در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی ایران برگزار می‌شود و بنا بر اعلام دبیرخانه این همایش، هدف آن بررسی و دستیابی به تحلیل‌هایی عملی در این عرصه است تا زمینه انجام برنامهریزی‌های کلان و انجام تحقیقات و پژوهش‌های کاربردی پایه‌ریزی شود. این همایش دوازده روز در تاریخ ۱۵ و ۱۶ اسفندماه ۹۵ در محل دانشگاه علامه طباطبائی برگزار خواهد شد.

یکشنبه ● ۹ آبان ۱۳۹۵ ● شماره هفتاد و هفت

ا ت ی چ ع ح ن و

واکاوی قدر و نسبت سرمایه‌گذاری در عملکرد صندوق‌های باننشستگی؛

سرمایه‌گذاری کیمیاگری نیست؛ تدبیر می‌خواهد

صندوق‌های باننشستگی به سبب امانات اندوخته بیمه‌شدگان در دوران بیمه‌پردازی، در سال‌های ابتدایی فعالیت یکی از قدرتمندترین نهادها در هر کشوری محسوب می‌شوند، اما عدم تعادل در منابع و مصارف صندوق‌ها در میان عموم صندوق‌ها به مرور زمان و هر چه بر عمر آنها افزوده شود شایع است. تحلیلگران دلایل چندی برای برهم خوردن توازن منابع و مصارف صندوق‌ها در ایران برمی‌شمارند که عمده‌ترین آن‌ها قوانین و تکالیف عمدتاً حمایتی است که از سوی نهادهای فرادستی قانونگذار و تصمیم‌ساز برای صندوق‌ها ایجاد شده‌است. قوانینی که با تغییر در متغیرهای کلیدی کارآمدی صندوق‌ها، علاوه بر وابسته کردن آن‌ها به دولت، عملاً هزینه‌های جبران تعهدات تعریف‌شده از سوی آن‌ها را به حوزه منابع صندوق‌ها هدایت کرده و عملاً کنترل منابع صندوق‌ها را از اختیار آن‌ها خارج می‌کند. به‌دلیل بی‌ثباتی در اقتصاد کشور و عواملی مانند رکود و تورم طی دهه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌ها بازدهی مطلوب را نداشته و از طرفی نیز همواره اتهام بنگاهداری به آن‌ها وارد بوده‌است. در چنین شرایطی برخی کارشناسان بر این باورند که عدم اعتقاد و باور سیاست‌گذاران و دولت‌ها به ماهیت صندوق‌های

باننشستگی روزگار آن‌ها را بدین‌جا رسانده، اما اگر کمبود یا کسری نقدینگی و پیوندی که با سرمایه‌گذاری دارد، زاویه‌ای بوده که صندوق‌ها به‌واسطه آن متصف به بحران شده‌اند، از همین پنجره هم امکان نسخه‌پیچی برای آن‌ها وجود دارد. از همین رو چندی پیش تنی چند از مسئولان رده‌های مدیریتی و مشورتی صندوق‌های باننشستگی در نشست چهارم از سلسله پیش‌نشست‌های تخصصی همایش «صندوق‌های باننشستگی، تنگناها و راهکارها» که به ابتکار موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی برگزار می‌شود، در سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح (ساتا) گرد هم آمدند تا ضمن تبیین چالش‌ها و مشکلات صندوق‌ها، ضرورت‌های سرمایه‌گذاری در این نهادها را برای برون‌رفت از شرایط کنونی به بحث بگذارند. برنامهریزی و اتخاذ رویکردهای بلندمدت، فرهنگ‌سازی برای تعیین نقش و جایگاه صندوق‌ها و تبدیل آن‌ها به صندوق‌های مالی مستقل، و خودداری نهاد دولت از دست‌اندازی به صندوق‌ها از جمله مواردی بود که برای مقابله با «پهنم» مصائب صندوق‌ها بر آن‌ها تأکید شد. در ادامه خلاصه‌ای از نکات مورد بحث قرار گرفته در قالب گفتارهایی مجزاً ارائه شده‌است.



دیگر از چرخه عمر و جریان نقدی آن‌ها، بهترین روش برای کسب بیشترین بازده‌است. مسئله دیگر ماهیت سرمایه‌گذاری زمانمند بودن آن است. سرمایه‌گذاری «خم رنگریزی» نیست که امروز سرمایه‌را بی‌توجه به نقدشوندگی و زمان‌های دریافت سود به صورت خلق اساعه و لحظه‌ای به سرمایه‌گذاری با نقدشوندگی بالا تبدیل کند. ریشه و زمینه این وضعیت به بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در صندوق‌ها و شرکت‌های آن‌ها و تغییرات مدیریتی (ریسک‌های غیرسیستماتیک) برمی‌گردد. این مسئله نیز در صندوق‌های ما چندان مورد توجه قرار نگرفته و دانشده‌های آن بی‌ثباتی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری است که اساساً حق‌ی بلندمدت را منتفی می‌کنند. در سال ۸۲ رئیس اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (ایسا) طی یک سخنرانی در تهران اعلام کرد که صندوق‌های باننشستگی ایران در سال ۲۰۵۰ وضع بحرانی خواهند داشت. نسبت باننشستگان به کل جمعیت کشور را در آن سال حدود ۲۱ درصد خواهد بود، اما این آمار برای ایران ۲۳ درصد پیش‌بینی شده‌است. در سال ۸۲نسبت بازدهنده برای جهان ۱۵ درصد بود و برای ایران ۶/۵ درصد. این مقام مسئول جهانی در آن سخنرانی خطاب به تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران ایرانی خواست در بازه ۴۰ساله آینده با برنامهریزی ملون زمینه‌های خروج از بحران رافراهم سازند، آیا چنین انتظاری برآورده خواهد شد؟

مشاور امور سرمایه‌گذاری صندوق باننشستگی کشوری و مدیرعامل اسبق نشتنا

می‌رسد. بر اساس دو تحقیق میدانی که در ایران انجام شده، بازده سرمایه‌گذاری در افق‌های ۱۵ تا ۲۰ساله در بازارهای اولیه بیشتر است. بنابراین ادعاهایی که در مورد سودآوری مسکن، خریدوفروش ارز و طلا مطرح می‌شود به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با بازار اولیه به‌ویژه برای بنگاه‌های صنعتی نیست. صندوق‌ها نیز مانند تمام سرمایه‌گذارها تابع تغییر انتظارات از این متغیرها هستند. در دوره‌های افزایش نسبت پرداخت‌های مستمری نسبت به دریافت حق‌بیمه،بدهی‌های است که نقدشوندگی سرمایه‌گذاری‌ها و زمان‌های دریافت سود مشخص و قطعی اهمیت بیشتری دارد. یکی از اشتباهات رایج این است که بسیاری از اساتید می‌گویند «ره چنان رو که ره‌روان رفتند» و توصیه می‌کنند بر روی اوراق قرضه سرمایه‌گذاری کنیم، تب سرمایه‌گذاری بر اوراق قرضه در حال حاضر در ایران به‌شدت بالاست و این دیدگاه حاکم شده که تصدی‌گری بد است. این افراد توجه ندارند که در صندوق‌های دنیانسبت پرداخت مستمری به حق‌بیمه بسیار متفاوت با ایران است. مثلاًصندوق روستاییان، کشاورزان و عشایر ایران در میزان پرداختی بسیار محدودیت دارد اما در مقابل میزان ورودی‌های آن بسیار بالاست اگر کسی در این صندوق بگوید باین وضعیت اوراق قرضه بخیریم، معلوم است که با علم سرمایه‌گذاری بیگانه است. دیدگاه غالب در صندوق‌های باننشستگی همین است. در اینجا حتماًنیاز است که صندوق تصدی‌گری کند. لازم‌است تأکید شود که تصدی‌گری فقط در دوره مبنیی از چرخه عمر صندوق‌ها و شرایط معینی از جریان نقدی آن‌ها مضموم‌است و گر نه در دوره‌های

سرمایه‌گذاری روی ذخایر باننشستگان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تفاوت کشورها در شکل دادن ذخایر و سرمایه‌گذاری بر روی آن‌هاست که متغیرهایی چند در آن دخیل‌اند و خودبه‌خود بحث بازده سرمایه‌گذاری‌ها را پیش می‌کشند. بازده سرمایه‌گذاری‌ها که محقق‌کننده هدف آرمانی است با متغیرهای شکل‌دهنده ذخایر و دریافت‌های دوران باننشستگی ارتباط دارد. بر مبنای محاسبات ما، با فرض ۳۰سال پرداخت حق‌بیمه ۲۱ درصد و دریافت حقوق باننشستگی معادل حقوق دوره اشتغال و ۲۵سال بازدهی باننشستگی، محاسبات نشان می‌دهد که با نرخ بازده سرمایه‌گذاری یک درصد می‌توان مستمری معادل حقوق دوره اشتغال را به مدت ۱۵سال پرداخت کرد. یعنی با بازده یک درصد اگر درست سرمایه‌گذاری کنیم، قادریم ۱۵سال حقوق بازنشسته را معادل اشتغال به او پرداخت کنیم. هر سرمایه‌گذار با وجود آنکه در پی کسب بیشترین بازده‌است، میزان بازده مورد انتظارش تابع متغیرهایی است مانند ریسک، نقدشوندگی و زمان‌های دریافت سود. به طور مثال هریک از ما خواهان سرمایه‌گذاری هستیم و از طرفی نیز مایل به ریسک نیستیم و بنا داریم در کوتاه‌ترین زمان ممکن به سود برسیم. بنابراین سپرده‌های بانکی را انتخاب می‌کنیم که بازدهی اندکی دارند. اما شرکت total،ریسک‌های فراوانی مانند تحریم‌ها و اعمال مجازات‌های دولت امریکا را به جان می‌خرد و در بازار نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کند و با وجود آنکه سه سال نقدشوندگی سرمایه نزدیک به صفر داشته، در نهایت به بازدهی ۲۰۰درصدی



● گفتار یک ●

||| ● مهندس سید علی آذربادگان ● |||

در جامعه با بعضاً تردیدهایی بر سر یک‌سری مفاهیم بدهیی وجود دارد مانند چرایی سرمایه‌گذاری بر روی ذخایر باننشستگی و یا چرایی تمرکز ذخایر افراد در یک صندوق که پاسخ به آن‌ها بسیار ضروری است. ایجاد ذخایر برای باننشستگی به معنای ذخیره‌سازی برای فاصله زمانی میان باننشستگی تا پایان عمر و احتی استقلال مالی افراد تحت تکفل است. همین فاصله زمانی است که نیاز به ذخیره‌سازی را اثبات می‌کند. در واقع وقتی هدف این باشد که نیازهای مذکور در همان حدقیل از باننشستگی پاسخ داده شوند، در آن صورت آرمانی‌ترین و مطلوب‌ترین هدف برای ذخیره‌سازی پیش‌روی ماقرار می‌گیرد در بسیاری از صندوق‌های باننشستگی در جهان این پوشش به ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد اما در ایران به دلایلی، این عده به ۹۲ درصد می‌رسد. البته باید توجه داشت در برخی از کشورها مانند آلمان و انگلستان صندوق‌هایی وجود دارند که معادل ۱۰۰در صد حقوق دوران اشتغال را به باننشستگان خود پرداخت کرده‌اند. اولین الزام در همه اقتصادها در سرمایه‌گذاری بر روی ذخایر باننشستگی، توجه به این هدف آرمانی است که کسب چنان بازدهی و چجه همت قرار گیرد که پرداخت متوسط در یافت‌های قبل از باننشستگی را در فاصله متوسط سن باننشستگی تا متوسط طول عمر مقدور سازد و حتی ارتقا دهد. در همه کشورها تشکیل صندوق‌های باننشستگی و

اتحاد استراتژیک، نیاز صندوق‌ها



● گفتار دو ●

||| ● هوشنگ جنگی ● |||

تاسال‌های پیش تصمیم‌گیری در حوزه سرمایه‌گذاری در صندوق‌های باننشستگی به صورت مجزاً بر اساس عامل بازده و به‌تنهایی صورت می‌گرفت. از دهه ۱۹۵۰ به بعد، با ارائه مدل‌های از قبیل «دارایی‌های سرمایه‌ای» دو عامل ریسک و بازده در کنار یکدیگر قرار گرفتند و بازده مورد انتظار تأییبی از ریسک در تصمیمات سرمایه‌گذاری فرض شد. مبحث ریسک از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و جمع‌بندی است. در حوزه سرمایه‌گذاری صندوق‌ها علاوه بر ریسک‌هایی که در حوزه اقتصادی وجود دارد، ریسک‌های خاص این صندوق‌ها نیز مطرح است. در حوزه سرمایه‌گذاری باید به مجموعه دیگری از ریسک‌ها اشاره کرد. ریسک نرخ بازده بدون ریسک یکی از این موارد است. در دو سه سال گذشته نرخ بازده بدون ریسک یا نرخ سپرده‌های بانکی یا نرخ تسهیلات بانکی هر ۶ماه تغییر داشته‌اند. این عامل مهمی است که اثراتی بر تصمیم‌ها دارد. ریسک نرخ تورم، ریسک تغییرات نرخ ارز، ریسک مالی، ریسک نقدینگی و یا کمبود نقدینگی، ریسک مالی، ریسک تجاری و ریسک سیاسی مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که می‌بایست در تصمیمات سرمایه‌گذاری به آن‌ها توجه کرد اگر به این ریسک‌ها توجه نشود، نرخ هدفی که به عنوان نرخ بازده مورد انتظار در سرمایه‌گذاری‌ها مطرح است محقق نخواهد شد. توانمندی صندوق‌های باننشستگی نیز حائز اهمیت است. بودجه کل سال جاری کشور حدود ۱۹۰ هزار میلیارد تومان است که از این عدد تقریباً ۱۵۰ هزار میلیارد آن صرف هزینه‌های جاری می‌شود و الباقی صرف بودجه‌های عمرانی و طرح‌های توسعه‌ای، صندوق باننشستگی «ساتا» حدود ۱۷۲ هزار میلیارد تومان بودجه در اختیار دارد. صندوق باننشستگی کشوری حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان و رقم بودجه سازمان تأمین اجتماعی نیز حدوداً ۶۰ هزار میلیارد تومان است. اگر صندوق‌های دیگر را هم وارد محاسبات خود کنیم در مجموع حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان منابع و مصارف دارند. پس اگر این صندوق‌ها میان خود نوعی همکاری و اتحادهای استراتژیک ایجاد کنند، قادر خواهند بود هم در اقتصاد کشور موثر باشند و هم از تجربیات یکدیگر به‌خوبی استفاده کنند.

معاون اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح

وابستگی به نفت و بحران صندوق‌ها



● گفتار سه ●

||| ● محمود رضا کیشمیزی ● |||

دولت سه بحران بزرگ را پیش‌بینی کرده که صندوق‌های باننشستگی هم یکی از اضلاع این بحران است. در حال حاضر کشورهای اروپایی که در زمینه صندوق‌های باننشستگی صاحب‌سبک هستند، به مشکلاتی بر خورده‌اند و اگر ما نیز با همین رویه ادامه دهیم، به طور قطع مشکلاتمان چندبرابر آن‌ها می‌شود. محاسبت من بسر روی پرداخت‌ها و تعهدات صندوق‌های باننشستگی است. اگر بخواهیم با محاسباتی همگرا به این نتیجه برسیم که صندوق‌ها و به طور مشخص تر صندوق باننشستگی نیروهای مسلح در پایان چشم‌انداز ۴۰۴۱ و چه وضعیتی دارد، متوجه می‌شویم که وضعیت اصلاً مساعد نیست. این صندوق در سال جاری باید ۱۶ هزار میلیارد تومان صرف پرداخت مستمری می‌کند. با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، این رقم در سال ۴۰۴۱۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد، که در حال حاضر ۲/۲ درصد بودجه عمومی کشور است که در ۹ سال آینده به ۵در صد افزایش خواهد یافت. منابع نفتی تنها منابع در آمدی عمومی دولت است. عده‌ای از درآمدهای مالیاتی صحبت به میان می‌آورند و می‌گویند اقتصاد ایران به سمت رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی و تأمین منابع از طریق درآمدهای مالیاتی می‌رود. اما مسئله این است که بخش عمده درآمدهای مالیاتی کشور از درآمدهای شرکت‌های فعال در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی به دست می‌آید. در نتیجه تنها طبقه بودجه کل است که عوض شده و از یک طبقه به طبقه دیگر تغییر جهت یافته‌است. با این حال همچنان وابستگی به نفت پابرجاست. با توجه به اوصاف و اعداد و ارقام پیش‌بینی شده، به طور حتم تمام صندوق‌ها برای پرداخت تعهدات خود به نقطه‌ای بحرانی می‌رسند. که قطعاً در این مسیر وابستگی به نفت متغیری اساسی است. به همین دلیل باید از بحث تعهدات استفاده کرد و این موضوع را بررسی کرد که چه کارهایی می‌توان انجام داد تا از طریق سرمایه‌گذاری‌ها راه‌حل‌هایی برای غلبه بر شرایط بحرانی پیشنهاد کرد.

رئیس صندوق باننشستگی نیروهای مسلح

شرکت‌های سرمایه‌گذاری قלק پول نیستند



● گفتار چهار ●

||| ● جعفر ربهیمی ● |||

سرمایه‌گذاری در صندوق‌های باننشستگی «باید» است. این قرعه را به نام ما زده‌اند. اما مسئله این است که شرکت‌های سرمایه‌گذاری در فضای عدم قطعیت‌ها به فعالیت می‌پردازند. واقعیت این است که سرمایه‌گذاری باید در بخش‌های سودآور صورت بگیرد اما متأسفانه در سال‌های گذشته بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های مسر سرمایه‌گذاری صندوق‌ها در بخش‌های غیرسودآور بوده‌است. دلیل این امر این بوده که شرکت‌های سرمایه‌گذاری را به‌عنوان صندوق پول دیده‌ام و اینکه این شرکت‌ها باید مشکلات کل کشور اعم از شهرها، روستاها و نمایندگان مجلس و... را به دوش بکشند. به این معنا که شرکت‌های سرمایه‌گذاری مانند قلکی بوده‌اند که هرکسی به‌خود اجازه می‌داده دست خود را وارد آن کند. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات مسئولان شرکت‌های وابسته به صندوق‌ها، ندانشن توانایی «نه گفتن» است. چرا که همه به این شرکت‌ها به چشم «بچه پولدار» نگاه می‌کنند و معتقدند باید به هر طریق ممکن این پول را از آن‌ها گرفت. اصلاً به این فکر نمی‌کنند که مسئولان این شرکت‌ها باید پول صندوق را صرف سرمایه‌گذاری کنند. نکته دوم این است که در برخی حوزه‌ها لازم است در کوتاهمدت سود نقدی داشته باشیم. نکته دیگر حضور در بازار اولیه است. یکی از اتهاماتی که به ما وارد می‌کنند این است که خصوصی هستیم و در همه‌جا و به‌خصوص در پتروشیمی‌ها حضور داریم. این یک تعبیر پوپولیستی است. یکی از دلایل این امر آن است که به‌درستی تشخیص داده شده که صندوق‌های تأمین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن‌ها به نقدینگی تضمین شده بلندمدت نیاز دارند. در غیر این صورت مجبور می‌شویم استراتژی توزیع سود خود را به دیگران واگذار کنیم. درست است که امر سرمایه‌گذاری باید از طریق بخشی از ذخایر انجام شود اما در حال حاضر شرکت‌های سرمایه‌گذاری ابزارهای دیگری برای تأمین مالی در اختیار دارند که علاوه بر ذخایر می‌توانند از آن‌ها برای سرمایه‌گذاری استفاده کنند. فاینانس داخلی و خارجی از جمله این زمینه‌هاست که می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم تا سریع‌تر به نتیجه برسیم.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی نیروهای مسلح



● دیدگاه ●

||| ● عباس باباگل زاده ● |||

کاهش تصدی‌گری،

نسخه شفاف‌بخش نیست

واقعیت این است که در کشور ایران هنگام پرداخت تعهدات با صندوق‌ها به‌عنوان نهادهایی خصوصی که در پی بازده و سود هستند، بر خور شد، اما در مواقع حساس تر مانند دوره‌های باننشستگی پیش از موعد به آن‌ها به چشم نهادهای ماموریتی نگاه می‌شود. به نظر می‌رسد زمانی که قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و یا اساس نامه صندوق‌ها را می‌نوشتند، بندی را لحاظ کرده‌اند که اگر صندوق‌ها، چه آن‌هایی که وابسته به دولت هستند و چه آن‌هایی که مستقل‌اند، با کسری مواجه شدند، دولت تعهد آن‌ها را می‌پذیرد. یعنی از زمانی که این قوانین نوشته می‌شد، به‌نوعی وضعیت کنونی نیز طراحی شد. در چند سال گذشته باید به نوعی موضوع «دولت همراه» برای صندوق‌های باننشستگی آسیب‌شناسی می‌شد و این بررسی صورت می‌گرفت که آیا اساساً نهاد دولت به دنبال حل مشکل صندوق‌ها با نگاه برادرانه به آن‌ها بوده و یا می‌خواسته مشکل خود را حل کند. در ۱۰ سال گذشته بحث بر سر این بود که صندوق‌ها پول خود را در قالب سپرده نگه‌داری و یا سرمایه‌گذاری کنند. امروز این خرد جمعی حاصل شده که چه کارهایی را نباید انجام دهند. سازمان تأمین اجتماعی بخش عمده‌ای از منابع خود را در آب‌های دهه ۶۰در سپرده‌هایی با نرخ سود ۶-۷ درصد سرمایه‌گذاری کرد، در حالی که در همان سال‌ها نرخ تورم به مراتب بیشتر از نرخ سود در نظر گرفته شده برای این سپرده‌ها بود، اما در عوض امروز صندوق‌ها پذیرفته‌اند که بخشی از دارایی‌های خود را به‌عنوان ذخیره احتیاطی (و نه سرمایه‌گذاری) نگه دارند. گفتمان‌ها در مقایسه با سه دهه پیش بسیار تغییر یافته‌است. از نظر خرد جمعی و آگاهی پیرامون صندوق‌های باننشستگی وضعیت به‌مراتب بهتری داریم، در حال حاضر بحث در باره صندوق‌ها به جایی رسیده که در کنار مشکل آب قرار گرفته است. اینکه چه تدابیری می‌انديشند و یا چه بودجه سنواتی برای آن تنظیم می‌کنند در جای خود قابل بحث است، اما همچنان مسائل اساسی نیز وجود دارند. موضوع اساسی در سرمایه‌گذاری‌ها معیارهایی است که منطقاً می‌بایست در سرمایه‌گذاری بلندمدت یک نهاد بین‌نسلی مورد توجه قرار بگیرد. اهمیت ریسک و بازده و مقدمات آن بر کسب پوشیده نیست، ما در پی تعهدات بلندمدت هستیم. برای تضمین این تعهدات باید فراتر از این موارد فکر کرد. باید معیارهای انتخاب کسب‌کار یا صنعت را در بلندمدت مورد عنایت قرار دهیم. مثلاً باید به عوامل کلیدی موفقیت صندوق‌ها و مسائلی مانند نیازت، الزامات و پیش شرط‌های واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی توجه شود. مقوله‌های بسیاری برای بررسی آن‌ها وجود دارد. یکی از موارد اساسی در حوزه سرمایه‌گذاری صندوق‌های باننشستگی تصدی‌گری است. حقیقت آن است که کاهش تصدی‌گری نسسخه‌ای شفاف‌بخش نیست. کدام یک از صنایع کشور ما تقسیم سود ثابتی داشته‌اند که رویکرد کاهش تصدی‌گری را دنبال کنیم؟ تصدی‌گری به معنای واگذاری تقسیم سود به سایر سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه است. اما آیا این اتفاق افتاده است؟ اولویت دولت‌های ما اداره کشور و توسعه طرح‌هایی مانند پالایشگاه‌های نفت و گاز در مناطق مختلف بوده‌است. بنابراین ترجمه دیگر کاهش تصدی‌گری این است که به سایر سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه اعتماد کنیم که تقسیم سود بلندمدت ما را تضمین می‌کنند. اگر عملکرد گذشته شرکت‌های بزرگ کشور را ببینیم، متوجه می‌شویم که چنین امکانی وجود ندارد. از صندوق‌ها می‌خواهند که هنگام خصوصی‌سازی و یا در گسترش حمایت از صنایع کمک کنند اما هنگام ایفای تعهدات هیچ ارگان و نهاد و شخصی پاسخگو نیست. آیا متصفانه‌است که صندوق‌ها و کارشناسان آن‌ها به‌تنهایی به فکر تعهدات باشند؟ صندوق‌ها در بزنگاه‌های مختلف دولت ما را یاری کرده‌اند و اکنون نوبت نهاد دولت است که باید دست صندوق‌ها را بگیرد. به هیچ‌یک از مباحث مانند دست‌اندازی‌ها و افزایش تعهدات و نرخ‌های باننشستگی و... توجه نشده‌است. این مسائل به حوزه محاسبات بیمه‌سنجی صندوق‌ها برمی‌گردد اما نهادهای قانونگذار و تصمیم‌ساز در مواقع تصمیم‌گیری و نسخه‌پیچی‌های خود برای صندوق‌ها، به هیچ یک از این موارد و آثار آن‌ها توجه نکرده‌اند. رویکردها گذشته‌نگر است اما صندوق‌های باننشستگی باید قادر باشند به صورت لحظه‌ای تغییرات پارامترها را مورد محاسبه قرار دهند. به طور مثال مجلس سال گذشته باننشستگی‌های پیش از موعد را تصویب کرده اما ما باید سه سال دیگر بفهمیم وضعیتم خراب است؟ اینکه چه کسی متولی تغییر این سیستم و استاندارد شود مشخص نیست.

مشاور مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی کشوری